

اعتدال‌گرایی سیاسی در پرتو اندیشه علوی

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۹

تاریخ تأیید: ۹۵/۲/۴

زهرا عامری*

اعتدال یک سلوک سیاسی است که ضمن سنجش ظرفیت نهادهای مدنی، گروه‌های اجتماعی و گفتمان حاکمیت، تلاش می‌کند آنها را به هم نزدیک کند تا اداره جامعه با کمترین تنش بین نیروهای سیاسی و اجتماعی میسر شود. این مفهوم یکی از مهم‌ترین راهبردهای اندیشه سیاسی علوی در حکومت و یک عامل نگه‌دارنده کنش‌ها و واکنش‌های زمامدار از افراط و تفریط است. اعتدال یک کنترل درونی و الهام گرفته از عقل سلیم است که علاوه بر آنکه همه زمامداران و حاکمان باید پای‌بند به آن باشند، همه افراد جامعه نیز باید در افعال، گفتار و سکنتات خود این کنترل را لحاظ کنند تا از مسیر و هدف تعیین شده باز نمانند. نوشتار پیش رو تلاش کرده است با مراجعه به سیره و کلام امیرالمؤمنین علیه السلام مؤلفه‌های سیاست اعتدال‌گرایی علوی را در عرصه‌های مختلف واکاوی و بازشناسی کند.

کلیدواژگان: اعتدال، امام علی علیه السلام، حکومت، نظام سیاسی، جامعه سیاسی.

* استادیار دانشگاه بجنورد.

درآمد

خداوند جامعه اسلامی و برتر را جامعه‌ای معتدل و میانه‌رو معرفی می‌کند.^۱ البته واژه اعتدال در قرآن کریم نیامده است، ولی این مفهوم را می‌توان از واژه‌های «قوام»، «وسط»، «قصد»، «سواء» و «حنیف» استفاده کرد. همه این واژگان با اندکی اختلاف به وضعیت میانه و حد وسط اشاره دارند. از سوی دیگر واژه‌های «اسراف»، «اتراف»، «تبذیر»، «غلو»، «اعتداء»، «فراط»، «تفریط» و «قتر» که در دو سوی وضعیت میانه قرار دارند در ارتباط وثیق با موضوع اعتدال است (دایرةالمعارف قرآن کریم، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۸۲۱). گرایش به سمت اعتدال‌گرایی که رویکردی میانی بین افراط و تفریط است، می‌تواند ضمن اجتناب از خسران و کسب حسنات این دو، راهی معقول و منطقی برای رسیدن به کمال و اعتلای علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را پیش رو نهد. از این‌رو اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی اعتدال‌گرایانه در حوزه‌های مختلف و نیز بررسی چگونگی پرداختن به آن و طرح روش‌های مطلوب برای اتخاذ رویکردها و راهبردهای اعتدالی در عرصه‌های مختلف، به ویژه در حوزه سیاست و بازشناسی مؤلفه‌ها و وجوه آن، می‌تواند در تعالی و پیشرفت یک جامعه مؤثر واقع شود.

از نظر اسلام هرگونه گرایشی به سوی افراط و تفریط به معنای خروج از جاده حقیقت و حقانیت و رهسپاری در بیراهه هبوط و سقوط فردی و اجتماعی است؛ لذا در همه حوزه‌ها، از جمله سیاست و حکومت، خواهان میانه‌روی است. اعتدال در حوزه سیاست، شیوه‌ای از سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرا است که تضمین‌کننده منافع عموم باشد و به ایجاد توازن‌های ساختاری در وجوه مختلف نظام سیاسی یاری رساند. بر اساس این، یک نظام سیاسی باید در مسیر اعتدال‌گرایی و میانه‌روی حرکت کند و از افراط و تفریط دوری گزیند تا به نظام شایسته اسلامی نزدیک شود.

از آنجا که حکومت حضرت علی علیه السلام بهترین الگو برای یک نظام سیاسی - اسلامی معتدل است، بر آن هستیم تا وجوه اعتدال‌گرایی سیاسی را در پرتو اندیشه‌های آن حضرت واکاوییم.



۱. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره:

۱. مفهوم‌شناسی اعتدال در چارچوب عدالت

اعتدال در لغت از دو ریشه «عَدَل» و «عَدِل» آمده است. «عَدَل» از عدالت است و به معنای قرار دادن شیء در موضع خودش (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) و به دور از افراط و تفریط است و «عَدِل» به معنای توازن و تعادل و رعایت حد وسط در بین دو حال از جهت کمیت و مقدار و از جهت کیفیت و چگونگی (ابن منظور، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۴۳۳) و توازن و هم‌وزنی و برابری (جر، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۹۳) است.

اینکه اعتدال به معنای حد وسط یا معنای حد عادلانه باشد، موضوعی است که همواره مورد بحث و مناقشه بوده است. در اندیشه اسلامی «اعتدال» را عمدتاً از ریشه «عَدَل» می‌دانند. عدل فقط به معنای حد وسط و میانه نیست، اگرچه در موارد بسیاری آن دو را هم شامل می‌شود. گاهی ممکن است میانه‌روی از سر حق‌طلبی نباشد و نفاق، دنیاطلبی و نیرنگ برای رسیدن به خواهش‌های نفسانی منشأ میانه‌روی باشد. قرآن این نوع میانه‌روی را تذبذب نامیده است (نساء: ۱۴۱-۱۴۳). در احادیث اسلامی موضوع اعتدال بیشتر در قالب کلیدواژه «قصد» مورد تأکید و سفارش ویژه قرار گرفته و با معادل قرار دادن آن با مفهوم حق، هرگونه خروج از راه اعتدال نوعی ستم شمرده شده است (دایرة المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۲۱). بر اساس این، اعتدال به عنوان اخلاقی شخصی یا راهبردی سیاسی - اجتماعی، ضرورتی مبتنی بر حق‌محوری و تعالیم اسلامی است تا در پناه آن بتوان به گسترش عدالت در حوزه‌های فردی و اجتماعی همت گماشت. در این معنا، اعتدال ادای حق است و تنها سیاستی، سیاست اعتدال‌گرا نامیده می‌شود که نتیجه آن گسترش عدالت در جامعه باشد. این برداشت از مفهوم اعتدال در این نوشتار مورد پذیرش قرار گرفته است.

۲. وجوه اعتدال‌گرایی در سیاست علوی

در کلام امیرمؤمنان علیه السلام اعتدال با مفهوم دوری از افراط و تفریط آمده است. امام بارها سیره رسول‌الله صلی الله علیه و آله را میانه‌روی و اعتدال در امور معرفی کرده‌اند (نهج البلاغه، حکمت ۶۷). سیاست اعتدال‌گرا در منطق علی علیه السلام، احیا و ادامه روش سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. حضرت در همه عرصه‌های حکومتی خود اعتدال را سرلوحه تصمیم‌گیری و عملکرد خود قرار می‌داد؛ زیرا حیات اجتماعی و سیاسی جامعه را وابسته به اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط می‌دانست. علی علیه السلام آنان را که از راه اعتدال به سوی افراط و تفریط کشانده



می‌شوند، جاهل می‌خواند و می‌فرماید: همیشه جاهل را نمی‌بینی جز اینکه یا زیاده‌روی می‌کند و یا کم می‌آورد (همان، حکمت ۷۰).

علت تأکید امام علی علیه السلام بر اعتدال، به ویژه در حوزه مسائل سیاسی، این است که توجه نکردن به آن باعث اضمحلال و شکست جامعه و ایجاد نوعی شکاف بین اقشار مختلف مردم یا مردم و حاکمیت خواهد شد. وجوه اعتدال‌گرایی اندیشه علوی در سه حیطة قابل بررسی است.

۲-۱. در حیطة نظام سیاسی (نهادهای حکومت و کارگزاران سیاسی)

دور شدن از اعتدال عین ستم و بیداد است و زمامدارانی که خواهان برپایی عدالت و هدایت مردمان هستند باید همه برنامه‌های خود را بر اعتدال استوار سازند. علی علیه السلام نه تنها خود را ملزم به رعایت این اصل می‌دانست که زمامداران حکومت را نیز به رعایت آن امر می‌کرد. آن حضرت در عهدنامه مالک اشتر به او این‌گونه فرمان داده است: و باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که میانه‌ترین آن در حق باشد (همان، نامه ۵۳). حضرت در این باره چنین توصیه کرده است: بر تو باد به میانه‌روی در کارها، زیرا هر که از میانه‌روی روی برتابد ستم کند، و هر که بدان پایبند گردد، به عدالت رفتار کند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۴۴).

در سیره مدیریتی حکومت علوی، اعتدال‌گرایی در اجرای امور کشور، برای مدیران و کارگزاران دولتی یک وظیفه عمومی است:

اما بعد، تو از کسانی هستی که من برای اقامه و بپاداشتن دین از آنها کمک می‌گیرم. سرکشی و نخوت گناهکاران را به و سیله آنان درهم می‌کوبم و مرزهایی را که در معرض خطر قرار دارد، توسط آنها حفظ می‌کنم. بنابراین در مورد امور مهم خود، از خداوند استعانت بجوی و شدت و غلظت را با کمی نرمش، درهم آمیز و در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن و در آنجایی که جز با شدت عمل، کار از پیش نمی‌رود، شدت را به‌کار گیر (نهج البلاغه، نامه ۶۶).

در عرصه نظام سیاسی، مؤلفه‌های ذیل می‌توانند به تحقق اعتدال‌گرایی یاری رسانند.

۲-۱-۱. کاهش کاربرد زور و خشونت در تنظیم امور عمومی

اگر امکان حل مسالمت‌آمیز کاری وجود داشت، علی علیه السلام هرگز به خشونت، جنگ و خونریزی متوسل نمی‌شد. به نظر ایشان نظام و حکومت باید از هر ظلم و ستمی پرهیز کند و هیچگاه با تندى و خشونت با مردم مواجه نشود. وظیفه حاکم از نظر امام علی علیه السلام

ایجاد شرایطی است که افراد داوطلبانه و آگاهانه از دستورات و قوانین پیروی کنند؛ زیرا انسان در برابر هرگونه ظلم و زور، به طور آشکار یا پنهان، مقاومت می‌کند. زورگویی و استبداد از نشانه‌های ناتوانی است و آنجا که منطبق نباشد، از زور استفاده می‌شود (رشید، ۱۳۱۰، ص ۱۸۷). امام علی^{علیه السلام} به زیاد ابن ابیه، حاکم فارس، فرمود: کار به عدالت کن و از ستم و بیداد بپرهیز، که ستم رعیت را به آوارگی و ادارد و بیدادگری شمشیر را در میان آرد (همان، حکمت ۴۷۶).

ایشان خطاب به مالک برخی از مصادیق ظلم را که علاوه بر کیفر شدید اخروی، در دنیا نیز در زوال قدرت سیاسی مؤثر است، یادآور می‌شود:

از خونریزی بپرهیز و از خون ناحق پروا کن که هیچ چیز همانند خون ناحق کیفر الهی را نزدیک و مجازات را بزرگ نمی‌کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی‌بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی‌گرداند و روز قیامت خدای سبحان قبل از رسیدگی اعمال بندگان، نسبت به خون‌های ناحق ریخته شده داوری خواهد کرد، پس با ریختن خونی حرام، حکومت خود را تقویت مکن؛ زیرا خون ناحق، پایه‌های حکومت را سست و پست می‌کند و بنیاد آن را بر کنده، به دیگری منتقل سازد (همان، نامه ۵۳).

همچنین در قسمت دیگری از نامه خویش به مالک می‌فرماید:

نسبت به مردم زیردست همچون حیوان درنده‌ای مباش که خوردن آنان را غنیمت شمری؛ زیرا آنان یا برادران دینی تو هستند یا انسان‌هایی شبیه تو در خلقت که گاه از آنان لغزش‌هایی سر می‌زند و بیماری‌هایی (اخلاقی و روانی) بر آنان عارض می‌گردد و به عمد یا خطا، کارهایی به دستشان جاری می‌شود. در این موارد از عفو و گذشت خود آن مقدار به آنان عطا کن که دوست داری خداوند به تو عنایت کند؛ زیرا تو مافوق آنها و ولی امر مافوق تو و خدا بالا دست بر همه است (همان).

آن حضرت در نامه به فرماندار بصره روش برخورد کریمانه و احترام‌آمیز با مردم را گوشزد کرده، او را از خشونت و بدرفتاری با آنان برحذر می‌دارد:

بدان که بصره امروز جایگاه شیطان و کشتزار فتنه‌هاست. با مردم آن به نیکی رفتار کن و گره وحشت را از دل‌های آنان بگشای. بد رفتاری تو را با قبیله بنی تمیم و خشونت با آنها را به من گزارش دادند، همانا بنی تمیم مردانی نیرومندند که هر گاه دلاوری از آنها غروب کرد، سلحشور دیگری جای آن درخشید و در نبرد، در جاهلیت و اسلام، کسی از آنها پیشی نگرفت (همان، نامه ۱۸).

ایشان به مالک فرمان می‌دهد که با نیکوکاری، درجه وفاداری و خوش‌بینی مردم به

حکومت را بالا ببرد تا بتواند به آنان اعتماد کند:



بدان ای مالک! هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت، بهتر از نیکوکاری به آنان و تخفیف مالیات و عدم اجبار آنان به کاری که دوست ندارند، نیست. پس در این راه آن قدر بکوش تا به وفاداری رعیت خوش بین شوی که این خوش بینی بار سنگین و رنج آور مشکلات را از تو برمی‌دارد (همان، نامه ۵۳).

۲-۱-۲. گزینش مقامات بر اساس آراء و رضایت عمومی

تشکیل حکومت با مشارکت حداکثری و حضور همه سلیقه‌ها و جریان‌های فکری، علاوه بر نمایش میزان بالای پایگاه مردمی حکومت، بستری برای بروز و ظهور همه توان‌ها و پتانسیل‌ها است. مشارکت مترکم سیاسی و اجتماعی بهای ایجاد یک جامعه چندصدایی در چارچوب قانون حاکم بر کشور و واگذاری قدرت به جریان‌های سیاسی مشروع و مشارکت‌جو است. این جریان در تقابل با اندیشه‌های تقلیل‌گرایانه و تندرو است. امام علی علیه السلام تشکیل حکومت را منوط به حضور مردم و پذیرش و پشتیبانی آنها می‌داند و می‌فرماید:

سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود، و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم (همان، خطبه ۳)؛ چراکه کسی که فرمانش پیروی نمی‌شود رأیی ندارد (همان، خطبه ۲۷).

زمانی که عثمان کشته شد و مردم رو به سوی امام علی علیه السلام نهادند، امام در روز بیعت حق انتخاب رهبری جامعه را به عهده مردم گذارد و خطاب به آنان فرمود:

ای مردم! این امر حکومت از آن شماست، هیچ کس جز کسی که شما او را امیر خود گردانید، حق امارت بر شما را ندارد. ما دیروز هنگامی از هم جدا شدیم که من قبول ولایت را ناخوشایند داشتم، ولی شما جز به حکومت من رضایت ندادید (طبری، ۱۸۷۹م، ج ۳، ص ۴۵۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ص ۱۹۲-۱۹۴).

این حقیقت در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام نیز آمده است؛ چنان که امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: «اگر مردمان بر تو گرد آمدند، آنچه به تو فرمان داده‌ام بجا آور و امرشان را به عهده گیر و گرنه خود را به کناری فرود آر و آنان را واگذار». پس چون مردمان از گردم پراکنده شدند، به ناچار دست فرو هشتم و خار در چشم، دیده فرو بستم و خود را به کناری کشیدم (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۲۶).

۳-۱-۲. اتکاء تصمیمات بر مشورت، عقل جمعی و کارشناسی علمی

نظام سیاسی اعتدال گرا، دیدگاه‌های خود را کاملاً درست و بی‌نقص نمی‌پندارد؛ از این رو، به مشورت با دیگران پای‌بند است و امکان تغییر و اصلاح در باورها و دیدگاه‌های خود را منتفی نمی‌داند. در این نظام تلاش می‌شود با پرهیز از یک‌سویه نگری، دیدگاه‌های حکومت و کارگزاران در موضوعات گوناگون پس از رایزنی با کارشناسان و متخصصان، بازتنظیم شود؛ نه اینکه فضا به گونه‌ای ساخته شود که کارشناسان و عموم مردم، بی‌اختیار و تابع دیدگاه‌های نادرست حاکمیت باشند.

در سطح جامعه کنشگران زیادی با نظراتی مختلف حضور دارند. نظام اعتدال گرا باید منافع متفاوت گروه‌های گوناگون را با دستیابی به یک اجماع گسترده، فراهم کند. در تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع، قدرت شخصی و کنترل اطلاعات تابع مشورت و گفت‌وگو است. کارگزاران حکومت باید مجری سیاست‌های حکومت و حاکم باشند؛ البته این وظیفه با اظهار نظر و مشورت در امور منافات ندارد. در دیدگاه امام علی علیه السلام، زمامدار باید در اموری که به مردم مربوط است با آنها مشورت کند و از نظر و عقیده آنان آگاه شود؛ از گفتن حق، یا مشورت در عدالت خودداری نکنید؛ زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی‌دانم، مگر آنکه خداوند مرا حفظ فرماید *(نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)*.

آن حضرت در بیان ارزش و جایگاه مشورت می‌فرماید: هر کس خودرأی شد به هلاکت رسید و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل‌های آنان شریک شد *(همان، حکمت ۱۶۱)*.

از نظر امام علی علیه السلام مشورت اصل مهمی است که همگان باید در امور مهم خود بدان اهتمام ورزند. این اصل برای حاکمان و مدیران یک وظیفه قطعی است؛ چراکه تصمیمات آنان سرنوشت جامعه را رقم می‌زند و عدم بررسی همه جوانب و آگاهی از همه آراء، احتمال خطا در تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد. در همین راستا امام علیه السلام می‌فرماید: آن کس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد *(همان، حکمت ۱۷۳)*.

مولای متقیان به مالک اشتر سفارش می‌کند: با دانشمندان، فراوان گفت‌وگو کن، و با حکیمان فراوان بحث کن، که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت *(همان، نامه ۵۳)*.

۴-۱-۲. پذیرش تکثر در گرایش‌ها و تشکل‌های سیاسی

در هر جامعه‌ای جریان‌های سیاسی فعالی وجود دارند که در صورت موافقت و هم‌رأی بودن با نظام سیاسی حاکم، آن را تقویت و با آن همراهی می‌کنند و در صورت مخالفت، در جهت تضعیف و سقوط آن تلاش می‌کنند. جامعه‌ای که امام علی علیه السلام بر آن حکم می‌راند نیز از این قاعده مستثنا نبود و جریان‌های سیاسی فعالی در آن جامعه، در هر دو جبهه موافق و مخالف، وجود داشتند؛ جریان‌های بنی‌هاشم، انصار، بخشی از مهاجرین، قبایل یمنی، موالی و جریان ضدعثمان جریان‌های موافق بودند و جریان‌هایی چون عثمانیه، خوارج، قومیت حمراء و ناکثین نیز تشکل‌های بی‌تفاوت یا چالشی و ستیزه‌جوی را تشکیل می‌دادند (غفاری، ۱۳۱۵، ص ۴۰).

امام با پذیرش تکثر گروه‌های سیاسی، آنان را همانند دیگران به طور کامل و بدون تبعیض، از حقوق شهروندی برخوردار می‌ساخت. حضرت مخالفان خود، خوارج را که به تکفیر او می‌پرداختند، حق جویانی نامید که گمراه شده‌اند (نهج البلاغه، خطبه ۶۱). این نظریه درباره دیگر مخالفان حکومت امام علیه السلام نیز که به گمانشان حق با آنان بود و برای حق می‌جنگیدند، مصداق پیدا می‌کند. روزی یکی از یاران امام علی علیه السلام در این باره از او سؤال کرد و وی چنین پاسخ گفت: هر که با نیت راست، در یاری حق بجنگد و رضای خدای را بجوید، سرانجامش شهادت است (حسن‌الزین، ۱۳۱۹، ص ۱۱۳).

سیاست امام علی علیه السلام درباره خوارج این بود که تا خونی نریزند و دست به غارت اموال نزنند، در کوفه و اطراف آن بتوانند آزادانه زندگی کنند، هرچند شب و روز نعره‌های انکار آنان مسجد را پر کند و بر ضد امام شعار دهند. روش امام در این‌باره، روش ملایمت و نرمش بود؛ چنان که در سخنان امام ایشان جز تحبیب و تذکرات هدایت‌گرانه چیز دیگری دیده نمی‌شود. آن حضرت مانند پدری که بخواهد فرزندان سرکش خود را به راه بیاورد، با آنان معامله می‌کرد، حقوق آنان را از بیت‌المال می‌پرداخت و به داد و فریادشان در مسجد و اطراف آن اعتنا نمی‌کرد. تمام همت امام این بود که با رام کردن این گروه، وحدت کلمه را به جامعه باز آورد (سبحانی، ۱۳۷۴، ص ۷۱۰). امام در خصوص ناکثین می‌فرماید: این گروه (پیمان‌شکنان) به سبب نارضایتی از حکومت من به یکدیگر پیوسته‌اند و من تا هنگامی که بر اجتماع و وحدت شما احساس خطر نکنم، خوفناک نگردم (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۸).



این بی طرفی امام علیه السلام در برخورد با گروه‌های مختلف، به‌ویژه مخالفان خود، از «مخالفت سیاسی»، نهادی زنده و پویا پدید آورد؛ زیرا مخالفان سیاسی ضمن روبه‌رو شدن با حکومت، از حقوق خود برخوردار بودند؛ حقوقی که رئیس دولت آن را پذیرفته بود و خود مانع از تجاوز به آن می‌شد.

۲-۱-۵. تدبیر و پرهیز از سطحی‌نگری

از وظایف کارگزار در نظامی اعتدال‌گرا این است که در تصمیم‌گیری‌ها، دوراندیشی و تعمق را از یاد نبرد و در برابر اخباری که به او می‌رسد، مدبرانه برخورد کند. سیاست اعتدال‌گرا باید به دور از هرگونه شعارزدگی و سطحی‌نگری اقدامات خود را به سرانجام برساند. امام علی علیه السلام در تبیین وظایف رهبری، سطحی‌نگری و تبعیت از افراد بدون تحقیق و تدبیر را امری ناشایست برشمرده‌اند:

و برای من سزاوار نیست که لشکر و شهر و بیت‌المال و جمع‌آوری خراج و قضاوت بین مسلمانان و گرفتن حقوق درخواست‌کنندگان را رها سازم، آنگاه با دسته‌ای بیرون روم و به دنبال دسته‌ای به راه افتم و چونان تیر نتراشیده، در جعبه‌ای خالی به این سو و آن سو سرگردان شوم (همان، خطبه ۱۱۹).

ایشان در نامه‌ای به یکی از فرماندارانش که طبق گزارش‌ها به اموال عمومی دست‌درازی کرده بود، از او خواست که گزارش اموالش را برای حسابرسی ارائه کند تا پس از بررسی و اثبات صحت گزارش‌ها، مجازات شود:

از تو خبری رسیده است که اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به خشم آورده و امام خود را نافرمانی و در امانت خود خیانت کرده‌ای. به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را بر داشته و آنچه را که می‌توانستی گرفته، آنچه در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای. پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است (همان، نامه ۴۰).

امیرالمؤمنین در نامه به مالک اشتر نیز پرهیز از سطحی‌نگری در قضاوت و تصمیم‌گیری را امری لازم در مدیریت اسلامی و تعامل با مردم دانسته‌اند: در تصدیق سخن چین شتاب مکن؛ زیرا سخن چین گرچه در لباس اندرزدهنده ظاهر می‌شود، اما خیانتکار است (همان، نامه ۵۳).

۲-۱-۶. رفتار میانه با هموطنان غیرهم‌کیش

منظور از اعتدال‌گرایی در اینجا نوع برخورد با پیروان سایر مذاهب و ادیان و توده مردم است. اینکه گفتمان حاکم با پیروان دیگر مذاهب و ادیان چگونه برخورد کند، یکی از



ملاک‌های مهم تلقی سیاست به مفهوم منازعه و تخاصم دائمی و یا امکان همنشینی و سازش بر پایه مؤلفه‌های دوستی است. امام همواره حقوق اقلیت‌های دینی را مدنظر قرار می‌داد. ایشان با توجه به ساختار جامعه اسلامی، که در آن غیرمسلمانان نیز حق و حقوقی دارند، علاوه بر توصیه‌های دینی، رفتار انسانی را به حاکمان خود توصیه می‌فرمود. حضرت در نامه به مالک اشتر می‌فرماید:

هیچ نوع عواطف و الطافی را که در خلال تعهدات خود نسبت به اقلیت‌ها پذیرفته‌اید، اندک نشمارید و هرچند این عواطف ناچیز باشد، مهم است. هرگز ذمه خود را معذور ندارید و به تعهدات خویش خیانت نورزید (همان).

امام در نامه‌ای که به یکی از کارگزاران خود نوشته، طریقه و کیفیت معاشرت و مدارا با اهل ذمه را به او آموخته است. ایشان تأکید کرده است که با مشرکانی که با ما هم پیمانند با اعتدال برخورد کن:

همانا دهقانان مرکز فرمانداری‌ات، از خشونت و قساوت و تحقیر کردن مردم و سنگدلی تو شکایت کردند. من در باره آنها اندیشیدم، نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتم، زیرا که مشرکانند و نه سزاوار قساوت و سنگدلی و بد رفتاری هستند، زیرا که با ما هم پیمانند؛ پس در رفتار با آنان نرمی و درشتی را به هم آمیز، رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش، اعتدال و میانه‌روی را در نزدیک کردن یا دور کردن، رعایت کن (همان، نامه ۱۹).

۲-۲. در حیطه جامعه سیاسی و مدنی

اعتدال‌گرایی سیاسی علاوه بر تعدیل الگوی رفتار و عملکرد نهادهای حکومت و کارگزاران سیاسی، به معنای پذیرش رویکردها، الگوها و سازوکارهایی است که با تحقق آنها تلاش می‌شود فضا به سوی افراط نرود و سیاست‌های اعتدال‌گرایانه در تمام عرصه‌ها حاکم باشد. حضور این مؤلفه‌ها در جامعه سیاسی و مدنی به معنای این است که جامعه مدنی دارای وضعیت متعادلی است و متناسب با اهداف و کارویژه‌هایش امکان تأثیرگذاری بر قدرت سیاسی را دارد. این روابط در مجموع باعث ایجاد هماهنگی و کاهش تنش و خشونت سیاسی می‌شود.

۲-۲-۱. ترجیح اصلاح تدریجی بر انقلاب

نحوه انجام کار به اندازه محتوا و هدف کار اهمیت دارد. روش اعتدالی به معنای انجام تدریجی، با صبر و حوصله و آهسته و پیوسته امور است؛ حتی افراط در پیشرفت و توسعه یا سرعت زیاد در تغییر و اصلاح وضعیت موجود نیز می‌تواند کاری خسارت‌بار باشد. کنشگر اعتدالی برای تغییر جامعه رویکرد اصلاح‌طلبی را بر رویکرد انقلابی ترجیح

می‌دهد. بسیاری از تحلیلگران، افراط در انقلاب‌ها را از لوازم آن می‌دانند؛ اما حتی این افراد نیز تأکید دارند که این مسیر به سرعت باید به سمت اعتدال برود. افراط در اغلب انقلاب‌های دنیا وجود دارد؛ اما مهم این است که به سرعت اعتدال جایگزین و عدالتی فراگیر همراه با آرامش حاکم شود.

معروف‌ترین جریان در این بخش، ماجرای شورش بر عثمان است. در حالی که بسیاری از مخالفان عثمان، حتی از میان صحابه، رفتاری افراطی داشتند، امام علی علیه السلام طرفدار اعتدال بود و به هیچ‌روی خود را درگیر برخوردهای تند نکرد. امام علی علیه السلام انتقادات خود را داشت و بارها به زبان آورد. امام علیه السلام ضمن ترغیب عثمان به عمل به احکام الهی و دست برداشتن از بدعت در دین و اجحاف به مردم، سعی در اصلاح امور حکومت اسلامی داشت و تمام کوشش خود را برای اصلاح رفتار خلیفه به کار بست. ایشان واسطه گفت‌وگو میان مخالفان و خلیفه شد که این کار نهایت اعتدال را نشان می‌دهد. امام در واکنش به اعتراض انقلابیون فرمود: این اعتراضات تند، شما را در مسیری قرار می‌دهد که آینده آن روشن نیست (شیخ مفید، بی‌تا، ج ۱).

بر اساس همین رویکرد اعتدال‌گرا بود که وقتی حضرت درباره قتل عثمان نظر داد، هم عثمان را محکوم کرد و هم شیوه انقلابیون را: عثمان شیوه بدی در خودکامگی در پیش گرفت و شما هم شیوه بدی در اعتراض داشتید (نهج البلاغه، خطبه ۳۰).

۲-۲-۲. تکثر و تشکل نیروهای اجتماعی

اگر گروه‌های اجتماعی اجازه سازمان یافتن را داشته باشند، تعارض‌های خشونت‌آمیز کاهش می‌یابد. زمانی که امکان حاکمیت مسالمت‌آمیز وجود نداشته باشد و مردم از بیان دیدگاه‌های خویش محروم باشند و گروه‌ها امکانات قانونی برای نیل به اهدافشان نداشته باشند، واکنش و رفتارشان برای کسب قدرت خشونت‌بار می‌شود و نظام سیاسی را به سوی بی‌ثباتی سوق می‌دهد. علی علیه السلام درباره دارای حق بودن گروه‌ها و تشکل‌های صنفی و اجتماعی خطاب به مالک اشتر چنین می‌فرماید:

ای مالک! بدان که مردم از گروه‌های گوناگون هستند، از آن قشرها لشکریان خدا و نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستر، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، جزیه‌دهندگان، پرداخت‌کنندگان مالیات، تجار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه‌وران و نیز طبقه پایین جامعه یعنی نیازمندان و مستمندان می‌باشند (همان، نامه ۵۳).

در کلام امام از هفت طبقه نام برده شده است که جز دو طبقه - اهل جزیه و

نیازمندان و مستمندان - همگی با عامل شغلی و حرفه‌ای طبقه‌بندی شده‌اند. نکته با اهمیت در این فقره این است که مفهوم طبقه، معادل و مرادف واژه صنف به کار رفته؛ زیرا چند سطر بعد چنین آمده است: سپس این دوم صنف (سپاهیان و مالیات‌دهندگان)، جز با گروه سوم نمی‌توانند پایدار باشند و آن قضات و کارگزاران دولت و نویسندگان حکومت‌اند (همان). بنابراین، امام علیه السلام با تأیید این گروه‌ها - که امروزه در قالب اتحادیه و تشکیلات به دفاع از حقوق خود می‌پردازند - جامعه مدنی را پذیرفته و از حقوق مطرح در آن، از جمله حقوق شغلی و مالی دفاع کرده است.

۲-۲-۳. آگاهی افراد و گروه‌ها از حقوق، آزادی‌ها و مسئولیت‌های خویش

بیشترین کارایی و خلاقیت افراد وقتی رقم می‌خورد که فرد به حقوق و تکالیف خود آگاه باشد. باید افراط و تفریط در هشیاری شناسایی و رصد شود تا بتوان برای پاسداشت این حقوق و تکالیف اقدام کرد. آگاهی می‌تواند چراغ راهگشای جاده اعتدال و روشنی‌بخش مسیر درست باشد. جامعه آگاه اجازه انحراف از مسیر اعتدال را به رهبران خویش نمی‌دهد. آگاهی شهروندان از وظایف حکومت در قبال ایشان و تلاش برای تحقق حقوق و اجرای تعهداتشان در مقابل حکومت موجب می‌شود که شهروندان مسئولیت‌پذیر و پایدار باشند و مشارکت آنها مؤثرتر باشد. امام علیه السلام نه تنها حقوق مردم را به رسمیت می‌شناخت، بلکه مردم را نسبت به این حقوق آگاه می‌کرد:

ای مردم! مرا بر شما حقی و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من (حاکم) آن است که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت‌المال را بین شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

حضرت در این فرمایش به چهار حق اساسی و کلیدی اشاره می‌کند که می‌تواند زیربنای تمام حقوق مردم باشد. رعایت این حقوق از سوی حاکم، تضمین‌کننده رشد و پیشرفت جامعه و شکوفایی مسائل اقتصادی و علمی و پای‌بندی به اصول اسلامی و انسانی خواهد بود.

حق و تکلیف، دو مقوله مرتبط و غیرقابل انفکاک‌اند. این اصل پذیرفته‌شده حقوقی در بیان مولای متقیان به زیبایی تمام مطرح شده است: «حق لا یجری لِأحدٍ اِلَّا جَرى علیه و لا یجری علیه اِلَّا جَرى له» (همان، خطبه ۲۱۶). بر اساس این، هر حقی همراه تکلیفی زاده می‌شود و برخورداری انسان از هر امتیازی باعث مسئولیت و وظیفه‌ای است. انسان



محق، انسان مکلف نیز هست. امیرالمؤمنین در تبیین تکالیف شهروندان در برابر حاکم و کارگزار می‌فرماید: حق من بر شما این است که به بیعت با من و فادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیر خواهی کنید، هرگاه شما را فرا خواندم اجابت نمایید و هرگاه فرمان دادم اطاعت کنید (همان، خطبه ۳۴).

امام علی علیه السلام با اندیشه سیاسی‌اش در پی تربیت انسان‌هایی مسئولیت‌پذیر است که ذیل مسئولیت خویش، حقوق طبیعی خود را در کنار تکالیف خود بازشناسند و آنها را مسئولانه مطالبه و محقق کنند. بدین ترتیب ایشان با اصلاحات ذهنی و روانی و فکری، اندیشه اجتماعی - سیاسی مردم را از رسوبات استبدادی - جاهلی پالوده و در رسیدن به نقطه اعتدال یاری می‌رساند.

۲-۳. در حیطه فرهنگ و ارتباطات سیاسی

گفتمان اعتدال نمی‌تواند بدون ورود به عرصه فرهنگ، جایگاه واقعی خود در سیاست را پیدا کند. اگرچه آنچه در صحنه عملی سیاست آشکار می‌شود، فعالان سیاسی، سیاستمداران و به‌طور کلی نیروهای درگیر در منازعات قدرت هستند، اما در پشت‌صحنه مبارزه اصلی «منازعه بر سر فرهنگ» است.

در ادامه مؤلفه‌هایی را که در زمینه فرهنگی می‌توانند به گسترش اعتدال‌گرایی سیاسی کمک کنند، بررسی می‌شوند.

۲-۳-۱. آزادی جریان اطلاعات، ابراز نظرات، انتقادات و اعتراضات سیاسی

یکی از حقوق مردم، حق آگاهی از روند تصمیم‌گیری و اقدامات حکومت است که باعث برقراری، حفظ و توسعه اعتماد متقابل بین مردم و حاکمیت شده، کمیت و کیفیت سطح مشارکت عمومی و مدنی برای پیشبرد اهداف جامعه را در پی دارد. جریان آزاد اطلاعات بهترین سازوکار برای اصلاح امور، در نتیجه افزایش کارآمدی حکومت‌ها است. علی علیه السلام در نامه‌ای که به فرماندهان سپاه خویش نوشته است می‌فرماید: نظامیان آگاه باشید! حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم و کاری را جز حکم شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم (همان، نامه ۵۰).

مطابق این سخن، بر حاکم لازم و واجب است که غیر از اسرار جنگی، همه امور دیگر را با مردم در میان بگذارد؛ اسرار جنگی را نمی‌توان برای همه مردم بیان کرد؛ چراکه دشمن از آن آگاه می‌شود. اما هیچ حکومتی به هیچ بهانه‌ای حق ندارد جلوی انتشار حقایق را در میان مردم بگیرد. حضرت برای آگاه کردن مردم از مسائل گوناگون، به



صورت نوشتاری و گفتاری، جریان‌ها و وقایع را بازگو می‌کردند.

جریان آزاد اطلاعات سبب شفافیت امور و آگاهی مردم از اوضاع شده، زمینه را برای اظهارنظر و انتقاد مردم فراهم می‌سازد. مدیران باید شرایطی را فراهم کنند که منتقدان آزادانه و با احساس امنیت بتوانند سخن بگویند. اگر دولت‌ها و حکومت‌ها نقد نشوند و از طریق نقادی منطقی، اصلاح نشوند، در افراط و تفریط غوطه‌ور خواهند شد. به عقیده امیرمؤمنان از منتقدان نظام باید حمایت شود. ایشان به کج‌روی‌های خلفا اعتراض می‌کرد و منتقدان سیاسی را در چتر حمایت خویش قرار می‌داد و هر آنچه در توان داشت برای یاری آنان به کار می‌برد. یکی از این منتقدان ابوذر غفاری است که بی‌محابا دستگاه خلافت را نقد می‌کرد و افساد کارگزارانش را برملا می‌ساخت؛ تا آنجا که افشاگری‌های او عرصه را بر خلیفه تنگ ساخت و راهی جز تبعید او پیش رویش نگذاشت. امام از ابوذر حمایت کرد و به همراه گروهی از فرزندان و یاران خود، او را در آخرین لحظه همراهی کرد (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۵۱).

گاهی در مورد خود امام علی علیه السلام انتقادهایی صورت می‌گرفت که از حد ادب نیز خارج می‌شد؛ ولی ایشان هیچ‌گاه از این اعتراض‌ها و مخالفت‌ها خشمگین نشد. ایشان همیشه با پاسخ‌های منطقی و مستدل سعی در قانع نمودن منتقد می‌کرد. روزی مالک اشتر به حضرت علیه السلام اعتراض کرد که چرا فرزندان عباس را به کار گماشته است. امام علیه السلام ضمن بیان دلایل فرمود: هم‌اکنون اگر افرادی لایق‌تر از آنان سراغ داری معرفی کن تا به حکومت منصوب نمایم *(ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۹۹)*. امیرالمؤمنین از مردم می‌خواست با انتقادهای سازنده، ایشان را در راه اصلاح جامعه یاری رسانند:

بیعت شما با من بی‌مطالعه و ناگهانی نبود و کار من و شما یکسان نیست؛ من شما را برای خدا می‌خواهم و شما مرا برای خود می‌خواهید. ای مردم برای اصلاح خودتان مرا یاری کنید. به خدا سوگند که داد ستم‌دیده را از ظالم ستمگر بستانم *(نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶)*.^۱

۲-۳-۲. کفایت فرصت‌های عمومی برای گفت‌وگو درباره امور سیاسی

برای گسترش گفتمان اعتدال باید منطق گفت‌وگو را گسترش داد و اجازه داد که

۱. «لَمْ تَكُنْ بِيَعْتِكُمْ إِيَّايَ فَلْتَةً وَ لَيْسَ أَمْرِي وَ أَمْرُكُمْ وَاحِدًا إِنِّي أُرِيدُكُمْ لِلَّهِ وَ أَنْتُمْ تُرِيدُونَنِي لِأَنْفُسِكُمْ...».

عموم افراد در فضایی باز و آزاد به گفت‌وگو بپردازند و حکومت را نسبت به واقعیت وجودی‌اش آگاه کنند. گفتمان اعتدال زمانی می‌تواند تداوم یابد و به سرمنزل مقصود برسد و خود را گفتمان حاکم کند که مردم، نیروهای اصلی و مولد این گفتمان هستند را بسیج و فرصت‌ها و امکانات لازم را برای آنها مهیا کند.

امام علی علیه السلام به کارگزارانش می‌آموخت در جلساتی عمومی، ساده و بی‌پیرایه با مردم به پرسش و پاسخ بپردازند و عرصه‌ای را فراهم کنند که مردم به راحتی سخن گویند. ایشان توصیه می‌کرد که کارگزاران دغدغه نداشته باشند که این امر برای‌شان پیامدهای خطرناکی دارد؛ چراکه کاهش ارتباط حضوری باعث کم‌شدن اطلاع زمامدار از اوضاع کشور و مردم و ضعف آگاهی مردم از امور حکومت می‌شود. حضرت در ضرورت فراهم کردن فضای عمومی برای گفت‌وگو به مالک چنین توصیه می‌کند:

پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفت‌وگو کند. من از رسول خدا بارها شنیدم که می‌فرمود: ملتی که حق ناتوانان را از زورمندان بی اضطراب و بهانه‌ای بازنستاند، رستگار خواهد شد (همان، نامه ۵۳). با مردم مستقیماً رابطه برقرار نموده و اگر نزد مردم متهم به ستمگری شد، توجیه و عذر خود را بیان کند؛ اگر رعیت بر تو گمان ستم برد، عذر خود را آشکارا با آنان در میان گذار و با این کار آنان را از بدگمانی بیرون آور (همان).

در فرازی از نامه امام علیه السلام به فرماندار مکه آمده است:

در بامداد و شامگاه در یک مجلس عمومی با مردم بنشین، آنان که پرسش‌های دینی دارند با فتواها آشنایشان بگردان و ناآگاه را آموزش ده و با دانشمندان به گفت‌وگو بپرداز. جز زبانت چیز دیگری پیام رسانت با مردم و جز چهره‌ات دربانان وجود نداشته باشد و هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان؛ زیرا اگر در آغاز از درگاه تو رانده شود، گرچه در پایان حاجت او بر آورده شود، دیگر تو را نستاید (همان، نامه ۶۷).

حضرت از جمله راه‌های وصول به خوشبینی و اعتماد به مردم را اطلاع‌رسانی بدون واسطه و حضور بدون همراه در جمع مردم می‌داند: و بدان که نفوس مردم راضی نمی‌شوند و قبول نمی‌کنند که تو غایبانه ادای حقوق ایشان کرده تا رو در رو حاجات ایشان را نشنوی (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۵۲). حضرت با فرستادن نمایندگان ویژه، مثل اسامه و مالک، به میان مردم و ارسال نامه برای مردم در شهرهای مختلف، سعی داشت تا



سنت ارتباط مستقیم بین مردم و مسئولان را رواج دهد و به کارگزاران خود بیاموزد نسبت به مردم و عهدهای خویش پایبند و وفادار بمانند.

۳-۲. تسلط باورها و گفتارهای تعاملی و حاشیه‌ای شدن گفتارهای تخصصی

پروژه اعتدال‌گرایی با استفاده گسترده از منطق مذاکره و گفت‌وگو در مقابل رفتارها و گفتارهای تخصصی تعریف می‌شود. اعتدال‌گرایان در برابر منتقدان خود وارد گفت‌وگو و مذاکره می‌شوند؛ اما افراط‌گرایان تلاش دارند تا دعاوی خود را به شیوه‌ای ارباب‌آمیز همراه با سرکوب پیش ببرند. امیرمؤمنان با گروه‌های مختلف به گفت‌وگو می‌نشست و با بردباری و فروتنی دلایل آنان را می‌شنید. ایشان در روزهای آغاز خلافت، با برخی از کسانی که از بیعت با وی خودداری می‌کردند، جداگانه گفت‌وگو کرد.

معاویه از پذیرش حکومت امام علیه السلام که منتخب مردم بود، بدون دلیل موجه ابا داشت و حاضر به واگذاری شام نبود. او در مقابل امام طغیان و خیره‌سری پیشه کرده بود. امام بعد از نامه نوشتن، استدلال و احتجاج‌های فراوان، باز هم برای اینکه بدون توسل به زور، او را به پذیرش حق وادارد، جریر بن عبدالله بجلی را نزد او فرستاد تا او را قانع کند (مقرری، ۱۳۱۲ق، ص ۲۷). یاران امام علیه السلام پس از آنکه ایشان را برای گفت‌وگو با معاویه به شام فرستاد، از او خواست که آماده مبارزه شود. حضرت در پاسخ آنها فرمود:

مهیّا شدن من برای جنگ با شامیان، در حالی که جریر را به رسالت به طرف آنان فرستاده‌ام، بستن راه صلح و باز داشتن شامیان از راه خیر است، اگر آن را انتخاب کنند. من مدت اقامت جریر را در شام معین کردم که اگر تأخیر کند، یا فرییش دادند و یا از اطاعت من سرباز زده است. عقیده من این است که صبر نموده، با آنها مدارا کنید، گرچه مانع آن نیستیم که خود را برای پیکار آماده سازید (نهج البلاغه، خطبه ۴۳).

نیز امام علیه السلام با طلحه و زبیر بارها گفت‌وگو کرد و برای هدایت آنان از هیچ کوششی دریغ نورزید. وقتی آنان سپاهی عظیم برای مبارزه با آن حضرت آراستند، همچون گذشته به روشنگری خویش ادامه داد و با فرستادن نامه‌ها و سفیرانی همچون صعصعة بن صوحان و ابن عباس، از آنان خواست که دست از هواهای نفسانی خود بردارند و به عهد و پیمان نخستین خویش بازگردند (شیخ مفید، بی‌تا، ص ۳۱۳-۳۱۸). حضرت در یکی از خطبه‌هایش فرمود:

خدایا! طلحه و زبیر از من بریدند و بر من ظلم کردند و بیعتم را شکستند و مردم را بر من شوراندند... من پیش از جنگ از آنها خواستم که بازگردند و انتظار بازگشتشان را می‌کشیدم؛

ولی آنان به نعمت پشت‌پا زدند و دست رد بر سینه عافیت گذاردند (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۷).
در جریان نبرد نهروان نیز حضرت در حالی که خوارج مہیای جنگ شده بودند، به محل اجتماع آنها در قریه «حرورا» حضور یافت و فرمود: «نماینده خود را برای گفت‌وگو مشخص کنید». آنان «ابن کوآ» را برگزیدند. وی به تفصیل اعتراضات خود را بیان کرد و امام با منانت پاسخ داد (شوشتری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۶۷).

نتیجه

اعتدال یک گفتمان نیست، بلکه یک روش است و باید از این روش در راستای رقابت گفتمان‌های موجود در جامعه استفاده کرد. اعتدال روشی است که می‌تواند مجال بروز و ظهور به گفتمان‌هایی که در جامعه وجود دارد را بدهد. امام علی علیه السلام در همه عرصه‌های حکومتی خود اعتدال را سرلوحه تصمیم‌گیری و عملکرد خود قرار داد؛ زیرا حیات اجتماعی و سیاسی جامعه را در سایه اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط محقق می‌دانست.

در اندیشه علوی توفیق در پیشبرد برنامه‌ها و سیاست‌های اعتدال‌گرایانه در زمینه‌های مختلف، در گرو تقویت و افزایش شاخص‌های اعتدال‌گرایی در ساختار و روابط سیاسی است. نیروهای منادی اعتدال‌گرایی باید راهبرد اعتدال‌گرایی سیاسی را نخست از امور تحت اختیار خود آغاز کنند. رفتار میانه با هموطنان غیرهمکیش، کاهش کاربرد زور و خشونت در تنظیم امور عمومی، اتکای تصمیمات و سیاست‌ها بر مشورت، پذیرش تکثر در گرایش‌ها و تشکل‌های سیاسی و تدبیر و پرهیز از سطحی‌نگری، از جمله مؤلفه‌هایی است که در اندیشه علوی از سوی کارگزاران و نهادهای حکومتی مورد توجه قرار می‌گیرد.

در فضای جامعه سیاسی و مدنی نیز تأکید بر اصلاح تدریجی به جای انقلاب، پذیرش تکثر و تشکل نیروهای اجتماعی و آگاهی افراد و گروه‌ها از حقوق، آزادی‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی، شاخص‌هایی است که با اجرای آن می‌توان سیاست اعتدال‌گرا را تقویت کرد.

حکومت علوی با اتخاذ رویکرد تعاملی به جای تخاصم، توسعه آزادی جریان اطلاعات، ابراز نظرات و انتقادات و فراهم‌سازی فضاهای فیزیکی و فرصت‌های عمومی برای ارتباط و گفت‌وگو درباره امور سیاسی، زمینه فرهنگی را برای حرکت حکومت به سوی تعادل سیاسی و اجتماعی پایدار فراهم می‌سازد. از فرمایش‌های متعدد امام علی علیه السلام در این باره می‌توان فهرست‌هایی را تهیه کرد و در اختیار مسئولان قرار داد تا آنان با تطبیق عملکرد خود بر اساس این راهنمایی‌ها، مدیریت و حکومت خود را به سیره حضرت علی علیه السلام نزدیک کنند.

منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵ و ۲۰، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن اثیر (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
۳. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۲ق)، لسان العرب، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۵. جر، خلیل (۱۳۷۸)، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حبیب طبیبیان، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۶. رشید، علی‌اصغر (۱۳۸۰)، سلوک مدیریت از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران: نشر سازمان عمران و بهسازی شهری.
۷. الزین، حسن (۱۳۸۹)، «حقوق بشر در نهج البلاغه»، ترجمه مرتضی نادری، فصلنامه النهج، شماره ۲۹.
۸. سبحانی، جعفر (۱۳۷۴)، فروغ ولایت، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۹. شوشتری، محمد تقی (۱۳۷۶)، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، تهران: دار امیرکبیر.
۱۰. شیخ مفید (بی‌تا)، الجمل، ج ۱، قم: مکتبه الداوری.
۱۱. طبری، محمد بن جریر (۱۸۷۹م)، تاریخ الطبری، الجزء الثالث، بیروت: مطبعة بریل.
۱۲. غفاری، هدی (۱۳۸۵)، «حقوق مخالفان سیاسی در حکومت امام علی»، فقه و حقوق خانواده، شماره ۴۱ و ۴۲.
۱۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، ج ۷۴، بیروت: انتشارات مؤسسه الوفا.
۱۴. _____، (۱۴۱۲ق)، بیست و پنج رساله فارسی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۵. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب و معادن الجوهر، ج ۲، قم: مؤسسه دارالهجرة.
۱۶. دایرة المعارف قرآن کریم (۱۳۸۵)، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۷. منقری، نصر بن مزاحم (۱۳۸۲ق)، وقعة صفین، قاهره: المؤسسة العربية الحديثة.

